

روایی و ناروایی

معنای سخن دلپذیر را هم فبمیدیم

پس از نوشتن "روزی روزگاری آزمایشگاه" در شماره ی ۸۷، بسیار کوشیدم که نیمه ی پر لیوان را برجسته کنم و به این جستار پایان دهم. به راستی نیز در شماره ی ۸۸ چنین کردم. اما با خواندن نقدی در این باره، در شماره ۱۹ فصلنامه ی انجمن دکترای علوم آزمایشگاه، به نام "یا سخنی داشته باش دلپذیر یا دلی داشته باش سخن پذیر"، که سراسر ناروایی به نگارنده بود، ناگزیر شدم به این گفتار بی سروته، نیز پاسخی دهم. نگارنده برای روز آزمایشگاه، به نام پیشکسوتی که در زیر وبم رویدادهای رشته ی خود بوده ام، برای آگاهی آیندگان سرگذشت درست نسل ما آزمایشگاهیان و نسل دانشگاهی انقلاب فرهنگی زده را بازنویسی کنم. بدین روی فشرده ی رخداد های چند دهه ی واپسین را یادآوری کردم. این نوشته بر چند ستون استوار بود، که نویسنده "سخن دلپذیر" در نوشته ی خود به هیچ کدام پاسخی نداده است: در آنجا آورده ام - در هیچ جای جهان فوق دیپلم مدرک دانشگاهی به شمار نمی آید و نمی تواند پایه ای برای ادامه ی دکتر باشد. متخصص یا دکتر آزمایشگاه باید پایه علمی دانشگاهی داشته باشد. آرمان های انسانی انقلاب و خدمت به محرومان، دستاویزی شد که برخی از تکنیسین هایی که در نهادها و انجمن ها بودند و به پندار خود، که در برپایی انقلاب سهیم بوده اند، با بودن در انقلاب فرهنگی و با داشتن اهرم های دولتی و نیمه دولتی به ناروادستاوردهای علمی جهانی که سالیان دراز آزموده شده است، نادیده گرفته

و نوآوری های تازه ای بر انقلاب تازه نفس بار کردند. انگیزه ی آن ها هم خیره کننده بوده است. کمک به مردم نیازمند در جای جای ایران، اسلامی و مردمی کردن، و دوری از اریستوکراسی در آزمایشگاه ها بود. که در این زمینه کارنامه چند ساله همکاران خود گویای منفی بودن نتیجه است. در این سال ها اگر پیشرفتی در میان بوده است، جهانی یوده و در سایه کارخانه های کشورهای بیگانه (واندکی ایرانی) و با پرداخت بهای چند برابر انجام گرفته است. شاید برخی از این همکاران اکنون بگویند، ما که در همه جا پراکنده شده ایم؟ پاسخ آسان است. آن زمان برای کمبود پزشک، حتا از پزشکان بیگانه بهره مند می شدیم، ولی اکنون شمار پزشکان ما چنان فراوان است که برای کار به دیار بیگانه می روند. این آقای دکتر نه تنها پاسخی به این سخنان نداده است، با نثری کدخدایی همراه لغزش های جورواجور املائی، انشایی و دوراز منش علمی، پاسخی بی پایه و به پندار خود طنز آلود داده است.

دکتر با بازگویی یک سیناریو هالیوودی (کاری هم به راست و دروغش نداریم)، مرا با یک سرباز ژاپنی همسان کرده است. گویا که من یک رویداد تاریخ گذشته را به ناروا، گزارش روز کرده ام. این آقای دکتر خود بهتر می داند که هر چند سال یک بار این نوآوری ناروا، مساله روز می شود. مگر فراموش کرده اند که چندی پیش، گفتاری نارواد را این باره نوشته شده است که اروپای ها (یا آمریکایی ها)، پس از دیدن کارکرد "دکترای حرفه ای علوم آزمایشگاهی" در ایران، انگشت به دهان مانده به اندیشه راه

انداختن چنین رشته ای هستند؟ یا دوسه سال پیش در زمان خانم دکتر وحید دستجردی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کاردانان و کارشناسان نامه ای نوشته بودند و درخواست دکترای علوم آزمایشگاهی کردند. پس می بینیم، این مساله هر چند سال یک بار علم می شود و تنها وابسته به بیست و چند سال نیست.

آقای دکتر به جای پاسخ به نوشته ی نگارنده، که همه ی گفته بر پایه ی سند و تاریخ است، نوشته است:

"نوشته ای اخیرا در مجله ی تشخیص آزمایشگاهی چاپ شده است که یا از سر پراکنده گویی و یا تنگی قافیه در فحوای خود به رشته دکترای علوم آزمایشگاهی نیز تعریضی (!!!) روا داشته است..." گویا این آقای دکتر، نوشتن موبموی انگیزه های راستین برپایی این رشته در ایران را پراکنده گویی و یا تنگی قافیه دیده اند. گرچه خود برای ندادن پاسخ درست، به واژگان نا آشنا و بی پیوند (تعریض، یعنی پهن کردن) پناه برده اند. یا با گفتن فرازهایی که بی گمان در بایگانی روزنامه نگاری فارسی به نام نثری شگفت انگیز ماندگار خواهد ماند "از پاسخ سرباز زده اند. او نوشته است: تکرار و ورود چند باره به این بحث ملال آور و پاسخگویی به این سنخ مطالب موجب تضعیف وقت است. داب و رویه معمول این انجمن در تمام سالیان.. " اگر پنداریم که لغزش تضعیف (تضعیف)، وابسته به ماشین نویس است، واژه داب، در زبان فارسی یعنی چه؟ آقای دکتر، بررسی برنامه ریزی راهبردی برای آموزش و تشخیص آزمایشگاهی در کشور پهن آور ما را بحث

ملال اورمی داند. آقای دکتر در واپسین پاراگراف، می نویسد: "نهایتاً (یعنی حداکثر یا سرپرش، البته ایشان خواسته اند بگویند، در پایان ولی قافیه گشاد آمده است) ضمن دعوت همکاران ارجمندمان در همه گرایش ها(!!!) و رشته های آزمایشگاهی خصوصاً عزیزان فعال در استان های شمالی کشور به تعاطف(!!!) و همدلی هر چه بهتر و بیشتر انتظار دارد(!!!) با بلند نظری(!!!) خود از پیش آمد کدورت یا سردی ناشی از این حرکات نسنجیده(!!!) مراقبت(!!!) و پیشگیری فرمایند". خواننده ی دل آگاه با خواندن این نوشته ها بی گمان پوزخند می زند، مگر این آقا کیست که چنین فرمان های ملو کانه می دهد؟! مگر گزارش رویدادها و نقد کاستی های گذشته، خطر لشگرکشی دارد، که ایشان بیمناک شده و با ژستی بزرگ منشانه... انتظار تعاطف دارد!!! به هر روی، گذشته چراغ راه آینده است، امیدوارم که همکاران گرامی دکترای علوم آزمایشگاهی سخنان ژنرالی که با بزرگواری سرباز کهنه کار را از جنگ سرد معاف کرده است، بپذیرند. زیرا دیگر روایی و ناروایی های این رویدادها بر همه آشکار است. باید با همگرایی و همسویی آینده ی بهتری برای بیماران و نیازمندان کشورمان بسازیم که هیچ نگرانی در باره ی پرداخت برای تشخیص و درمان نداشته باشد.

ماهنامه های پزشکی جای نوشتن این

ناروایی ها نیست

در فصلنامه ی ۱۱۹نجمن دکترای علوم آزمایشگاهی، در بخش سخن شما، چکامه ای تهی از هرگونه پایه های ادبی، زیبایی و معنی چاپ شده است، که توهین آشکاری است به همه ی آزمایشگاهیان. در آن آزمایشگاه "رابی پدر و مادر" می خواند. همه می دانند که "بی پدر و مادر" یعنی بی ریشه و یا به سخنی دیگر حرامزاده است. بی گمان آزمایشگاه هادر ایران بهترین پدر و مادرهای جهان را داشته است. آیا پدر و مادری بهتر از انستیتو پاستور ایران و انستیتو رازی حصارک، دانشکده پزشکی و دانشکده ی بهداشت تهران در خاورمیانه و آسیای باختری سراغ دارید؟ پیشکسوتان آزمایشگاه، خود از خانواده های اصیل و فرهیخته ی زمان بودند. آیا و الا ترا از دکتر رضا نفیسی (از نوادگان ناظم الاطباء)، سرور بزرگواری شادروان دکتر شمس، استاد فرهیخته زنده یاد دکتر ابراهیم برال و یا فرزند برومند ایران شادروان دکتر نصر و بسیاری از متخصصان دیگر، در دیگر کشورهای مسلمان دیده شده است. آنان در سراسر زندگی خود تنها برای بالندگی آزمایشگاه در این سرزمین کوشیده اند. پدر آزمایشگاه، زنده یاد حاج آقا اصفهانی (عصر کار دهه پنجاه و شصت بیمارستان امیراعلم) است که همواره بی آه و ناله و

چکامه سرایی، نیم تا چند ساعت بیشتر کار می کرد تا جبرانی برای نارسایی های کارش (که هرگز هم نداشت) باشد، و به گفته ی خودش حقوقی که می گیرد حلال باشد. پدر آزمایشگاه، تکنیسین ها و میکروسکوپیست های دهه سی و چهل و پنجاه هستند که در وجه به و جب کشور، در سخت ترین جاها با کمترین ابزار، با بیماری های واگیردار (مالاریا، وبا، تب مالت، حصه و آلودگی های انگلی و میکروبی دیگر) مبارزه و حتا جان خود را از دست دادند. آری ما بهترین پدران و مادران داشته ایم، گرچه در این میان فرزندان ناخلف در هر جا و در میان هر صنفی هم پیدا می شود. باید یاد آوری کرد که ماهنامه ی تشخیص آزمایشگاهی به وارونه ی نشریه های دیگر که مدیران آن گاهی از نوشتن ساده ترین نوشته ی فارسی ناتوانند، هیچگاه برای سیاه کردن برگ های آن به شعر، طنز و جدول پناه نبرده است. گرچه اگر بخواهیم، می توانیم از نشریه های دیگر هم بهتر انجام دهیم، ولی چون رشته ی ما "تشخیص آزمایشگاهی" است، تنها در این راستا می نویسم. گاهی تنها یک گریز از جستار داریم. برای راهنمایی جوانان و شیفتگان کشور برخی از برگ های ماهنامه به پالایش زبان فارسی می آریم، زیرا باور ما ارزش پاسداری از زبان فارسی، کمتر از نگرانی از یک پارچگی سرزمین میهن ما ایران نیست ▶